



Executive Challenges and Guaranteeing the Implementation of the Defense Rights of the Accused in the Face of the Bailiffs

Ebrahim Abdollahpour¹, Akbar Rajabi*², Samira Golkhandan³

1. PhD Student, Department of Criminal Law, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 131-143

Corresponding author Info

ORCID: 0000-0002-9439-7613

TELL: +988646337801

Email: Akbar.rajabi@khomein.iau.ir

Article history:

Received: 03 Feb 2024

Revised: 26 Mar 2024

Accepted: 30 May 2024

Published online: 22 Sep 2024

Keywords:

Defendant's Right to Defense, Executive Challenges, Judicial Officers, Judicial Process.

ABSTRACT

Much has been said and written about the defense rights of the accused. However, there are still many obstacles and challenges in the process of criminal proceedings, especially in the implementation phase of these rights, which the accused faces in practice. Based on this, the purpose of this article is to examine the question of what are the challenges of implementation and guaranteeing the implementation of the defense rights of the accused in the face of the bailiffs. This article is descriptive and analytical and has investigated the mentioned question by using the library method. The findings showed the density of cases, the lack of judges, the plurality and diversity and confusion of laws, the lack of office space and rented buildings, the defendant's lack of respect for his defense rights, limiting the lawyer's intervention in the form of "no access to the case", the influence of some officers. Especially in making decisions and appointments of judicial authorities, predicting financial benefits in the form of "the right to discover crimes" for law enforcement officers and the attitude of some high judicial authorities to the quantity and statistics of cases, which may sacrifice accuracy and quality to statism, can harm rights and freedom. The legitimate rights of innocent people will face serious risks and challenges. In addition to these defects, the lack of training or insufficient training of the officers and the lack of supervision of their performance are clear examples of the challenges that the accused faces in the practical and executive process of criminal proceedings.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Abdollahpour, E; Rajabi, A & Golkhandan, S (2024). "Executive Challenges and Guaranteeing the Implementation of the Defense Rights of the Accused in the Face of the Bailiffs". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(3): 131-143.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳

چالش‌های اجرایی و ضمانت اجرای حقوق دفاعی متهم در مواجهه با ضابطین

ابراهیم عبدالله‌پور^۱، اکبر رجبی^{۲*}، سمیرا گلخندان^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

چکیده

راجع به حقوق دفاعی متهم، سخن بسیار گفته و نوشته شده است. با این وجود هنوز موانع و چالش‌های فراوانی در فرایند دادرسی کیفری و به‌ویژه در مرحله اجرای این حقوق به چشم می‌خورد که متهم در عمل با آن مواجه است. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال است که چالش‌های اجرایی و ضمانت اجرای حقوق دفاعی متهم در مواجهه با ضابطین چیست؟ این مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سؤال مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها نشان داد تراکم پرونده‌ها، کمبود قاضی، کثرت و تنوع و آشفتگی قوانین، کمبود فضای اداری و ساختمان‌های استیجاری، عدم اشراف متهم به حقوق دفاعی خویش، محدودکردن مداخله وکیل در قالب «قرار عدم دسترسی به پرونده»، تأثیرگذاری برخی ضابطین خاص در اتخاذ تصمیمات و قرارهای مقامات قضایی، پیش‌بینی مزایای مالی در قالب «حق کشف جرم» برای ضابطین و نگرش برخی مقامات عالی قضایی به کمیت و آمار پرونده‌ها که ممکن است دقت و کیفیت را قربانی آمارگرایی کند، می‌تواند حقوق و آزادی‌های مشروع افراد ناکرده بزه را با مخاطره و چالش جدی مواجه نماید. در کنار این ایرادات، عدم آموزش یا ناکافی بودن تعلیمات ضابطین و عدم نظارت بر عملکرد آن‌ها، از مصادیق بارز چالش‌هایی است که متهم در فرآیند عملی و اجرایی دادرسی کیفری با آن مواجه می‌باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۳۱-۱۴۳

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۷۶۱۳-۹۴۳۹-۰۰۲-۰۰۰-۰۰۰

تلفن: ۰۸۶۴۶۳۳۷۸۰۱

ایمیل: Akbar.rajabi@khomein.iau.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۱/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

حق دفاع متهم، چالش‌های اجرایی، ضابطین دادگستری، فرآیند دادرسی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

شخصی که در مظان اتهام واقع شده و برخلاف اصل برائت مورد تعرض و تعدی قرار گرفته، حق دارد با بهره‌گیری از حقوق انسانی در قبال این تجاوز و اتهام از خود دفاع نماید، چراکه دفاع از هر حیث حقی است طبیعی. این حق که در اینجا، مجموعه تضمینات قانونی و قضایی در سراسر یک رسیدگی کیفری است، پاسداری و صیانت از حقوق متهمینی که برچسب مجرمانه به آن‌ها زده شده را دنبال می‌کند. حق برخورداری از فرض بی‌گناهی، حق تفهیم اتهام، حق سکوت، مصونیت از دستگیری، حق تفهیم اتهام، حق سکوت، مصونیت از دستگیری و بازداشت خودسرانه، حق انتخاب وکیل، حق مصونیت از خود اتهامی، حق مصونیت از شکنجه در اثنای بازجویی و ... از حقوق اولیه و ذاتی متهم به‌شمار می‌رود.

در کنار تورم جمعیت کیفری، صحبت از تورم پرونده‌ها در دستگاه قضا می‌گردد که اگر چاره‌اندیشی نشود، معضل اول بی‌پاسخ خواهد ماند. کثرت پرونده‌ها باعث کثرت کار برای دست‌اندرکاران عدالت می‌گردد که همین امر می‌تواند از کیفیت دادرسی بکاهد. بازپرس در مواجهه با متهم تلاش می‌کند در حداقل زمان ممکن پرونده را به سرانجام برساند و چه بسا خواسته یا ناخواسته از حقوق متهم چشم‌پوشی نماید. قاضی دادگاه نیز گاه با تکیه بر تحقیقات و تصمیمات دادسرا، همین شیوه را دنبال می‌نماید. برای برون‌رفت از این چالش‌ها اولاً اندیشه درخصوص چگونگی کاهش ورودی‌های پرونده به دستگاه قضا و توسل به جایگزین‌های دادرسی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ ثانیاً تقویت نیروهای انسانی دستگاه قضا و افزایش دادرسان حائز توجه است؛ ثالثاً آموزش و نظارت کارآمد و مؤثر بر دست‌اندرکاران عدالت، همدلی و همراهی با آنان و امیدوارساختن ایشان به آینده‌ای روشن و قابل افتخار، از هر جهت مهم و حیاتی خواهد بود. تأمین و تضمین حقوق دفاعی متهم قطعاً با تأمین و تضمین دادرسی منصفانه و عادلانه - که بر همه ابعاد ساختاری، شکلی و ماهوی عدالت و دادرسی نظر دارد - میسر خواهد بود. نباید فراموش کرد اطلاع از ماهیت و سبب اتهام، به‌ویژه در مرحله تحقیقات پلیسی و قضایی، یکی از حقوق بنیادین متهم است

که در قوانین ملی و اسناد بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. این حق، رابطه بسیار نزدیکی با حق دفاع متهم دارد، زیرا بدون آگاهی کامل متهم از جزئیات و نوع اتهام، امکان تدارک دفاع به‌طور کامل و اجرای حقوق تعدی او وجود نخواهد داشت. آگاه‌سازی متهم از اتهام و حقوق دفاعی خود، به‌ویژه استفاده از خدمات و مساعدت‌های حقوقی - قضایی در جریان دادرسی‌های کیفری در حقوق داخلی و بین‌المللی به عنوان بارزترین جلوه حقوق دفاعی متهم و در راستای تضمین عادلانه بودن دادرسی مورد توجه قرار گرفته‌اند. تدارک یک دفاع مطلوب و پاسخ به ادعاهای دادستان، در بدو امر، محتاج آگاهی و اطلاع از اتهام و سپس برخورداری از توانایی دفاع خواهد بود. متهم در برابر مقام تعقیب، معمولاً از توانایی کمتری برخوردار است و اصل تساوی سلاح‌ها و رعایت حقوق دفاعی او ایجاب می‌نماید که حق دسترسی به وکیل و مشاور حقوقی را داشته باشد، هرچند اعتقاد بر این است که تفهیم اتهام، سرآغاز حقوق دفاعی متهم است، اما تأمین حقوق دفاعی متهم و تضمین دادرسی منصفانه در گرو حضور وکیل از نخستین مراحل دستگیری و تحت نظر متهم است، لذا باید همواره در فرایند دادرسی به این دست‌اندرکاران عدالت اعتماد داشت و برای رفع چالش‌های دادرسی از ایشان استمداد طلبید و با آنان در جریان اجرای عدالت به چشم اغیار ننگریست.

صرف قانون‌نویسی، صدور بخشنامه و دستورالعمل به‌تنهایی نمی‌تواند حقوق متهم را تضمین نماید. امر تقنین، شرط لازم است، ولی کافی نیست. آنچه واجد اهمیت است این‌که آیا این حقوق دفاعی متهم که راجع به آن بسیار گفته شده، جامه عمل نیز پوشانده می‌شود یا خیر؟ چراکه اگر غیر از این باشد، در وجود دادرسی عادلانه و منصفانه باید دچار تردید شد. براساس آنچه گفته شد، سؤال مقاله بدین‌شکل قابل طرح است که چالش‌های اجرایی و ضمانت اجرای حقوق دفاعی متهم در مواجهه با ضابطین چیست؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا چالش‌ها و در ادامه ضمانت اجرایی حقوق دفاعی متهم در مواجهه با ضابطین بررسی می‌شود.

۱- چالش‌های اجرایی حقوق دفاعی متهم

در این قسمت به بررسی چالش‌های اجرایی حقوق دفاعی متهم پرداخته می‌شود.

۱-۱- عدم ارائه کارت جهت احراز هویت ضابطین دادگستری
قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به درستی به لزوم احراز هویت ضابطان از طریق ارائه کارت ضابطیت پرداخته است، چراکه این نقص و خلأ قانونی قبلاً به چشم می‌خورد و عدم توجه به آن چالش‌برانگیز بود.

ماده ۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به لزوم معرفی و اعلام هویت ضابطین دادگستری و مواد ۲۸، ۳۰ و ۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری به بیان تعریف و شرایط ضابطین دادگستری پرداخته است و مواد ۳۲ و ۳۳ همان قانون، آموزش و نظارت بر ضابطان و اجازه بازرسی از واحدهای انتظامی را به دادستان تفویض نموده است. به موجب نظریه مشورتی ۷/۹۴/۱۱۴۵ مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۱۰ «... تخطی از گذراندن دوره‌های آموزشی ویژه ضابطان توسط ضابطان دادگستری مطابق ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری دارای ضمانت اجرای کیفری است...»

این نوآوری قانون آیین دادرسی کیفری را باید به فال نیک گرفت و آن را اقدام مطلوبی در استای اجرای عدالت کیفری تلقی و قلمداد نمود، به‌علاوه قانون‌گذار پس از مدت‌ها گمانه‌زنی و آزمون و خطا، نهایتاً به موجب بند «ب» ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴/۰۳/۲۴ وزارت اطلاعات و همچنین سازمان اطلاعات سپاه را به‌عنوان ضابط خاص پذیرفته است؛ امری که تاکنون در ادوار تقنینی مسبوق به سابقه نبوده است. به‌نظر می‌رسد وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه در جایی که جرم مهم است (از حیث امنیتی و هم از جهت مالی و اقتصادی) و ایضاً در مواردی که مرتکب بزه نیز از مقامات و مسؤولین کشوری و لشگری در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها باشد، به‌عنوان ضابط در پرونده‌ها ورود می‌کنند، اما نکته‌ای که توجه به آن حائز اهمیت است این‌که دستگاه قضایی که پرچمدار اجرای عدالت و ملجأ افراد بزه‌دیده می‌باشد و رسالت ذاتی این مرجع احقاق حق است، بایستی همواره استقلال خویش را حفظ نماید.

قضات شجاع و باتقوا در این فرایند و راستا نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. دغدغه خاطری که به ذهن متبادر می‌شود این‌که قضات در اتخاذ تصمیمات قضایی، صدور قرارها و انشای آرای تحت تأثیر نهادهای صدرالذکر به‌عنوان ضابطین خاص واقع نشوند و تصمیمات قضایی به تقاضا، دلخواه یا پیشنهاد این مراجع اتخاذ نگردد.

بعضاً این نگرانی وجود دارد که مبدا حتی در اندک و معدود مواردی این اتفاق ناخوشایند و خلاف موازین قانونی محقق گردد. قضات خود مظهر عدالت هستند و استقلال قضایی در کنار بی‌طرفی قاضی به‌عنوان اصول و ارکان دادرسی‌ها و محاکمات عادلانه به‌شمار می‌رود. هرگاه در جامعه‌ای به استقلال قاضی گزند و خدش‌های وارد شود، عدالت قضایی در آن جامعه رخت بر بسته است (احمد باقری، ۱۳۹۴: ۵۷-۴۷).

از طرف دیگر تبصره ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برای آن دسته از قضاتی که پرونده‌ها را جهت انجام تحقیقات به اشخاص غیر از ضابطین دادگستری ارجاع نمایند، ضمانت اجرای محکومیت انتظامی پیش‌بینی نموده است. قابل ذکر است به‌موجب ماده ۱۳ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۰۷/۱۷، مجازات انتظامی درجه ۴ «کسر حقوق ماهانه تا یک‌سوم از شش‌ماه تا یک‌سال» می‌باشد. این ضمانت اجرا حکایت از اهمیت موضوع و عنایت قانون‌گذار به این مهم دارد، البته از نوآوری قانون آیین دادرسی کیفری جدید، ضمانت اجرای محکومیت انتظامی برای صاحب منصبان اعم از قضات و ضابطین دادگستری نه‌تنها در تبصره ماده ۳۲، بلکه در قسمت‌های دیگر این قانون هم به چشم می‌خورد. «ماده ۶۳ تبصره ماده ۱۶۸، ماده ۱۹۶، تبصره ماده ۲۲۹، تبصره ماده ۲۵۰ و ...» که دلالت بر ضمانت اجرای تخلفات مقامات و متصدیان امر راجع به حقوق دفاعی متهم در فرایند دادرسی کیفری می‌نماید که البته درخور تحسین است و باعث می‌شود صاحب منصبان مقررات قانونی را به‌نحو احسن راجع به حقوق متهم رعایت نمایند. به هر حال مجموعه این مقررات تأکید بر استقلال و بی‌طرفی مقام قضایی دارند که در عمل نباید

حقوق اشخاص را قربانی جایگاه و موقعیت ضابطان قضایی نمایند.

با وصف تدوین مقررات جامع و کامل، از نقطه نظر عملی و چالش دیگری که متهم در این مرحله از دادرسی کیفری با آن مواجه است، اجمالاً می‌توان به دستگیری متهمین توسط افرادی غیر از ضابطین دادگستری اشاره کرد که بعضاً ممکن است این افراد تعاملاتی هم با پلیس داشته باشند که البته بسیار خطرناک بوده و از مصادیق لطمه و خدشه به حقوق دفاعی متهم می‌باشد.

به‌علاوه چالش دیگر در این قسمت که در فرایند عملکرد و اجرا ملموس و محسوس است، این که ضابطین اساساً تمایلی به معرفی خود و مآلاً ارائه کارت ضابطیت ندارند.

رویه‌های عملی بعضی ضابطین حکایت از آن دارد که به محض تقاضای مخاطب مبنی بر ارائه کارت یا دستور قضایی، ضابط عصبانی شده و حتی در مواجهه با متهم نامطلوب عمل می‌نماید. این برخورد ناشی از وضعیت خلقی و روحیات برخی از ضابطین می‌باشد که گاه منجر به آسیب‌های بدنی می‌گردد، درحالی که حداقل حق هر شهروندی است که در قبال هرگونه تعرض از خود محافظت و عندالاقضاء دفاع نماید، چراکه اساساً دفاع از هر حیث امری است پسندیده، هرچند این تعرض از سوی مأمور دولت باشد، لذا آموزش صحیح به ضابطان و به‌کارگیری تجهیزات ضبط و پایش رفتار آنان می‌تواند در این موارد کارآمد و مفید باشد.

به این مشکل، می‌توان ایراد عدم دریافت کارت ضابطیت را نیز افزود، این بدان معناست که ضابطان آموزش‌ها و تعلیمات لازم تحت نظر مقامات قضایی را فرانگرفته‌اند. مقتضی است بدو بستر و موجبات احیای پلیس قضایی فراهم گردد، در غیر این صورت، دادستان هر شهرستان همواره شخصاً یا از طریق مقامات قضایی مجرب ترجیحاً دارای تحصیلات تکمیلی نسبت به تعلیمات و آموزش مفاهیم کیفری به مأمورین اقدام نمایند. برگزاری دوره‌های آموزشی به‌صورت متوالی یا متناوب مقرون به صواب می‌باشد.

۱-۲- عدم تفکیک صحیح جرم مشهود از غیرمشهود

قانون‌گذار به‌منظور حفظ حقوق بزه‌دیده و ایضاً برقراری نظم و امنیت در اجتماع از یک طرف و رعایت حقوق متهمین از طرف دیگر مبادرت به تفکیک جرایم از حیث شیوه ارتکاب نموده و در ضمن آن به وظایف و تکالیف ضابطان در برخورد و مواجهه با جرایم پرداخته است. این تفکیک از آن جهت حائز اهمیت مضاعف و دوچندان است که از سوءاستفاده ضابطین در راستای انجام وظایف محوله و مآلاً خدشه و آسیب به حقوق دفاعی متهمان جلوگیری می‌نماید.

به‌عبارت دیگر ضابط دادگستری قانوناً نمی‌تواند جرم غیرمشهودی را به‌عنوان مشهود رأساً تعقیب و از اختیار قانونی خود راجع به جرم مشهود سوءاستفاده نماید و متهم را برای مدت ۲۴ ساعت بازداشت نماید.

با التفات به مراتب پیش‌گفته تفکیک صحیح و درست جرایم مشهود از غیرمشهود در تبیین عملکرد ضابطین از یک طرف و رعایت حقوق دفاعی متهمین از طرف دیگر بر هیچ‌کس پوشیده نیست.

متأسفانه برخی مقامات قضایی خصوصاً دادستان‌های شهرستان‌ها، طی بخشنامه یا در قالب دستور به عوامل پلیس اعم از مأموران انتظامی، اداره آگاهی و مأموران راهنمایی و رانندگی مجوز بازرسی اتومبیل‌ها، توقیف خودروها به صرف پخش موزیک با صدای بلند، توقیف وسیله نقلیه به علت بدحجابی راننده یا سرنشین و سپس بازداشت متهم را صادر می‌نمایند یا این که به‌صورت شفاهی یا تلفنی چنین دستوراتی می‌دهند.

اساساً تفویض و اعطای اختیارات کلی، بدون محدودیت زمانی، بدون ضابطه، شفاهی و تلفنی از سوی قضات خصوصاً دادستان‌ها به مأمورین راجع به هر امری که نوعی محدودیت و خدشه به آزادی افراد است و موجبات تعرض به حریم خصوصی اشخاص را فراهم می‌نماید، علاوه بر این که مغایر تعالیم و آموزه‌های دینی و مخالف حقوق و آزادی‌های قانونی و مشروع انسان‌هاست، تخلف انتظامی محسوب و

این رویکرد قانون‌گذار می‌تواند عملاً به حقوق متهم لطمه و آسیب جدی وارد نماید. بعضاً ممکن است به لحاظ مشکلات خصوصی و تسویه حساب‌های شخصی، افراد به ادعای ارتکاب جرم موجبات دستگیری انسان‌های بی‌گناه را فراهم نمایند.

البته با نگرش در قوانین، می‌توان موارد مشابهی را هم یافت نمود. مقنن در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ اجازه ارتکاب قتل به افراد عادی را در قالب «قتل در فراس» صادر نموده که چنین مقرراتی می‌تواند دارای تالی فاسد باشد، البته پرداختن به موضوع معنونه در این مجال و در این مقال نمی‌گنجد. علی‌احمال می‌توان اذعان داشت تا زمانی که جرمی کشف نگردد، به محاکمه و کیفر منجر نمی‌شود. از طرف دیگر بدیهی است که جرم نباید به هر قیمتی کشف گردد (عظیمی و نظری‌نژاد، ۱۳۹۹: ۲۰۰-۱۷۷).

به لحاظ اهمیت موضوع از حیث ورود ضرر جانی یا مالی به بزه‌دیده و ایضاً اخلال در نظم عمومی، تعدی و تجاوز به حقوق جامعه و جریحه‌دار شدن احساسات عمومی افراد به‌عنوان جنبه‌های عمومی و خصوصی جرم در بزه مشهود، اقدامات سریع و فوری در راستای جلوگیری از فرار متهم، از بین رفتن آثار و دلائل جرم و ... باید معمول گردد، لیکن باوجود اقتضای تسریع در تعقیب و دستگیری متهم، نیابستی به حقوق دفاعی متهم خدشه و لطمه وارد شود.

پایه و مبنای جرم مشهود که طریق غیرعادی و فوق‌العاده رسیدگی کیفری است، ضرورت، فوریت و سرعت است و تشریفات با طبع جرم مشهود ناسازگار بوده، نقض غرض خواهد بود (انصاری، ۱۳۸۰: ۳۶۳).

مع‌الوصف این فوریت، نافی عدم رعایت حقوق متهم و نقض حقوق دفاعی وی نمی‌باشد.

ضرورت انجام محاکمه‌ای عادلانه و رعایت اصول دادرسی حتی در جرایم مشهود، در قوانین همه کشورها و از جمله ایران به رسمیت شناخته شده است (آشوری، ۱۳۷۶: ۸۹).

موجبات سوءاستفاده مأمورین را فراهم می‌نماید (قیوم‌زاده و حبیبی‌تبار، ۱۳۹۹: ۸۲۰-۸۰۳).

مقنن در ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری بدون این‌که تعریفی از جرم مشهود ارائه نماید، به مصادیق آن پرداخته است. پرواضح و مبرهن است چنانچه جرمی خارج از موارد منعکس در این ماده ارتکاب یابد، جرم غیرمشهود تلقی و قلمداد می‌گردد.

«جرمی که مشهود نباشد، غیرمشهود است.» این ساده‌ترین تعریفی است که می‌توان از جرم غیرمشهود ارائه نمود.

تنها ۱۰ درصد جرایم کشف می‌گردد و در جرایم منافی عفت این رقم هم کمتر است (آخوندی، ۱۳۸۵: ۶۶).

می‌توان گفت عمده جرایم ارتكابی غیرمشهود هستند، یعنی بزه‌دیده متعاقباً از بزهکاری شخص یا اشخاص مطلع و آگاه می‌گردد. درخصوص جرایم غیرمشهود در راستای حمایت از حقوق و آزادی‌های اشخاص و جلوگیری از تعدی به حریم خصوصی آن‌ها، فرض بر این است که جرمی واقع نگردیده است.

از طرف دیگر نکته‌ای که حائز اهمیت است، این‌که پلیس حق ندارد به‌صورت غیرقانونی مبادرت به کشف جرم نماید و این نقیصه که شاید اسم ضایعه را هم بتوان بر آن اطلاق نمود، پیکره حقوق دفاعی متهم را نابود می‌کند.

متأسفانه بعضاً مقامات قضایی با شیوه‌های کشف غیرقانونی جرم مواجه هستند، خصوصاً این‌که این تأسف در آنجا مضاعف و دوچندان می‌گردد که کشف غیرقانونی جرم توأم با گزارش خلاف واقع هم باشد که به مصادیقی از آن‌ها به‌شرح آتی در قسمت «ارزش و اعتبار گزارش ضابطین» پرداخته می‌شود.

نکته مهم که قابل تأمل و مذاقه است، این‌که قانون‌گذار در تبصره ۱ ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری به شهروندان اجازه تعقیب و دستگیری متهم را صادر نموده است. قانونی جلوه‌دادن تعقیب متهم توسط افراد عادی به‌زعم نگارنده خلاف موازین قانونی است.

گزارش اعلامی، نه تنها موجب مذمت و نکوهش اخلاقی است، بلکه نوعی بی‌حرمتی به شئون قضات و جایگاه قضاوت تلقی و قلمداد می‌گردد (معصومی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۲). از طرف دیگر گزارش خلاف واقع توسط برخی مأموران می‌تواند دارای تألی فاسد باشد. مهم‌ترین مفسده آن سلب اعتماد یا حداقل کاهش اطمینان قضات نسبت به مأمورین و گزارش آن‌ها می‌باشد و می‌تواند مشکلات بعدی هم دنبال داشته باشد.

۲-۲- ضمانت اجرای استنکاف، تخلف و سرپیچی ضابطین از اعمال حقوق دفاعی متهم

اساساً در فرایند تحقیقات مقدماتی دو موضوع از اهمیت به‌سزایی برخوردار است: نخست این که ضابطین دادگستری از یک طرف وظایف قانونی خود را به‌نحو احسن انجام دهند و از طرف دیگر از اختیارات تفویض‌شده نیز در راستای ضوابط و مقررات قانونی بهره بگیرند؛ دوم این که حقوق متهم تضمین گردد، خصوصاً این که متهم بتواند حقوق دفاعی خویش را اعمال و اجرا نماید و بسترهای لازم فراهم گردد.

علی‌رغم این که مساعی و اهتمام لازم در این راستا معمول و مبذول می‌گردد تا بستر و زمینه یک دادرسی و محاکمه عادلانه فراهم گردد، مع‌الوصف اندک و معدود ضابطان دادگستری ضمن ارتکاب رفتار فراقانونی از انجام دستور قضایی سرپیچی نموده و اهمیتی برای اعمال و اجرای حقوق متهم قائل نیستند. با وصف این که قاطبه پلیس قانونمند هستند، لیکن برخی عملکردهای ناصواب توسط بعضی ضابطین علاوه بر این که موجبات بدبینی افراد نسبت به نظمیه را به‌دنبال می‌آورد، در پروسه دادرسی کیفری و رعایت حقوق متهم تأثیر نامطلوب می‌گذارد و می‌تواند اساس محاکمه کیفری را مخدوش نموده و با چالشی جدی مواجه نماید (ناجی زواره و ولایتی، ۱۳۹۷: ۱۱۸-۱۰۵).

قانون‌گذار به‌لحاظ اهمیت موضوع و در راستای جلوگیری از این ضعف، خلأ، نارسایی و نقیصه و رویه ناصواب که بعضاً توأم با سوءنیت و قصد مجرمانه است، ضمانت اجرا پیش‌بینی نموده است. اساساً فرض بر این است که ضمانت اجرا اعم از کیفری، مدنی، شغلی و استخدامی می‌تواند راهکار مناسبی در مقابله با جرم و تخلف باشد. در زمان‌های قدیم افراد به‌لحاظ

حتی در جرایم مشهود نیز اختیار ضابطان در بازداشت متهمین به مدت حداکثر تا ۲۴ ساعت بایستی متکی و مقرون به‌دلیل کافی باشد. متأسفانه مانع بزرگی که در راستای تأمین و تضمین حقوق دفاعی متهم در این قسمت به چشم می‌خورد؛ این که بالغ بر ۹۰ درصد متهمانی که پس از بازداشت ۲۴ ساعته توسط پلیس نزد مقامات قضایی اعم از کشیک یا شعبه در وقت اداری اعزام می‌شوند، بلافاصله بدون اخذ تأمین بلاقید دستور آزادی آن‌ها توسط مقامات قضایی صادر می‌شود. سوابق پرونده‌های موجود که نهایتاً منتهی به قرار منع پیگرد گردیده و قابل استخراج می‌باشد، مؤید صحت و صدق این مدعاست. امری که بسیار تلخ و قابل تأمل و مذاقه جدی است.

گفته می‌شود مأموران در قبال هر دستگیری، حق کشف دریافت می‌کنند. می‌توان این رویه ناصواب را با تعلیمات لازم در کلاس‌های آموزشی با افزایش حقوق و مزایای پرسنل ناجا اصلاح و مرتفع نمود (کریم‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۸۷).

شایسته است مأموران و ضابطان حتی‌الامکان از دستگیری نابه‌جای افراد در پرونده‌هایی که شاکی خصوصی ندارد و از طرف دیگر دلیل ارتکاب بزه کفایت نمی‌کند، از دستگیری و بازداشت افراد اجتناب و استنکاف ورزند، چراکه آنچه در معرض تضییع، لطمه، آسیب قرار می‌گیرد، عرض، آبرو و حیثیت و آزادی شهروندان است.

۲-۲- ضمانت اجرای حقوق دفاعی متهم در مواجهه با ضابطین

در این قسمت به بررسی ضمانت اجرای حقوق دفاعی متهم در مواجهه با ضابطین پرداخته می‌شود.

۲-۱- ضمانت اجرای تنظیم گزارش خلاف واقع

با التفات به این که گزارش خلاف واقع می‌تواند به تمامیت جسمانی و معنوی فرد خدشه، لطمه و آسیب جدی وارد نماید و ایضاً موجبات تعرض و تعدی به مال و مالکیت وی هم فراهم گردد، قانون‌گذار در ماده ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ آن را جرم تلقی و مستوجب کیفر دانسته است. نظر به این که مخاطب گزارش پلیس، مقامات قضایی هستند، خلاف‌بودن

۲-۱-۲- در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳

این قانون الزامات متعددی را برای کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی، دادرسی و ضابطان قوه قضاییه در باب حفظ حقوق متهم تحت نظر به شرح ذیل پیش‌بینی (هرچند بیان داشته متخلفان به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد) و به شرح ذیل مقرر داشته است:

«بند ۹: هرگونه شکنجه متهم به‌منظور اخذ اقرار یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذشده بدین‌وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.

بند ۱۰: تحقیقات و بازجویی‌ها، باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف آن متوسل شده‌اند، براساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.

بند ۱۳: محاکم و دادرسی‌ها بر بازداشتگاه‌های نیروهای ضابط یا دستگاه‌هایی که به‌موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می‌دهند و نحوه رفتار مأموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلفان برخورد قانونی شود.

بند ۱۵: رئیس قوه قضاییه موظف است هیأتی را به‌منظور نظارت و حسن اجرای موارد فوق تعیین کند. کلیه دستگاه‌هایی که به‌نحوی در ارتباط با این موارد قرار دارند، موظفند با این هیأت همکاری لازم را معمول دارند. آن هیأت وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر مساعی در اصلاح روش‌ها و انطباق آن‌ها با مقررات، با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی نموده و نتیجه اقدامات خود را به رئیس قوه قضاییه گزارش نمایند.»

بزهکار و متخلف به هر حال بایستی پاسخگوی عملکرد غیرقانونی خود باشد و مورد مواخذه و بازخواست قرار گیرد. ضابطین نیز از این قاعده مستثنی نیستند، خصوصاً این‌که گفته می‌شود سازمان قضایی نیروهای مسلح در مواجهه با جرایم ارتكابی نظامیان و مأموران کمتر اغماض و چشم‌پوشی می‌کنند. اساساً در قبال هر نوع رفتاری در جامعه، ضمانت اجرا وجود دارد. مسؤولیت شخص در قبال ورود ضرر مالی به

ترس، دلهره و واهمه از مواجهه با بازپرس ترجیح می‌دادند جرمی مرتکب نشوند.

قانون‌گذار در ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری به این مهم پرداخته است. این ماده قانونی اشعار می‌دارد: «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۱۵ از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۲ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.»

بر این اساس از آنجا که بهترین راه حمایت از حق این است که دولت وسایلی را برانگیزد که از وقوع تجاوز جلوگیری کند. علاوه بر قوانین کیفری ماهوی، قانون‌گذار در سایر قوانین به ضمانت اجرای نقض حقوق دفاعی متهمان پرداخته است که به برخی از آن‌ها بشرح ذیل اشاره می‌شود:

۲-۱-۱- در قانون اساسی

اصل ۳۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون تعیین می‌کند. در صورت بازداشت موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود... متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.» همچنین اصل ۳۹ قانون اساسی هتک حرمت و حیثیت فرد دستگیر و بازداشت‌شده را ممنوع و موجب مجازات دانسته است. در اصل ۳۸ نیز ضمانت اجرای هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع را بی‌اعتباری آن قرار داده است.

بر این اساس، گرچه قانون اساسی مصادیق مجازات را دقیق بیان نکرده، اما اصل مجازات و ضمانت اجرای تخطی از الزامات قانونی توسط ضابطان و مجریان قانون را پیش‌بینی نموده است.

- تفهیم نکردن حقوق مندرج در قانون به متهم (ماده ۵۲).
- عدم درج اظهارات شخص تحت نظر و مدت زمان بازجویی و آغاز و پایان آن در صورت مجلس (ماده ۵۳).
- ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش و بازرسی اشخاص و اشیاء در جرایم غیرمشهود بدون اجازه موردی مقام قضایی (ماده ۵۵).
- شماره گذاری نکردن اوراق پرونده و عدم ذکر تعداد اوراق در گزارش (ماده ۵۹).
- رعایت نکردن دستورات مقام قضایی در تفتیش و بازرسی (ماده ۱۴۱).

قانون گذار با تأسی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، البته در قانون جدید به سیاق جامع تر و مصادیق کامل تری به ضمانت اجرای تخلف ضابطین پرداخته است. ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری در این خصوص مقرر می‌دارد: «تخلف از مقررات مواد ۳۰، ۳۳، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۵۹ و ۱۴۱ این قانون توسط ضابطان موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است.»

موضوع به قدری حائر اهمیت است که قانون گذار ضمانت اجرای تخلف ضابطین قضایی را در اجرای صحیح قانون و اعمال حقوق دفاعی متهم در قانون آیین دادرسی کیفری انعکاس داده است. اساساً قانون آیین دادرسی کیفری شکلی است، یعنی راجع به نحوه و شیوه رسیدگی به جرم از زمان کشف، لغایت اجرای کیفر می‌باشد. جرم‌انگاری و مجازات قائل شدن برای رفتار اعم از فعل یا ترک فعل از وظایف و خصائص قانون جزای ماهوی یا همان قانون مجازات اسلامی است.

البته این شیوه تقنینی که سرپیچی از مسؤولیت‌ها، تکالیف و اختیارات قانونی ضابطین دادگستری را دارای ضمانت اجرا تلقی و قلمداد کرده و خصوصاً این ضمانت اجرا را در کنار وظایف و اختیارات ضابطین قرار داده، باید به فال نیک گرفت و مورد تحسین قرار داد تا ضابطین به اهمیت کار خود واقف باشند.

دیگری، البته به نحو غیر عمد، مسؤولیت مدنی یا همان جبران خسارت مالی و ترمیم ضرر می‌باشد. ضمانت اجرای ارتکاب جرم، کیفر و مجازات است. اگر مرتکب از مقامات یا مستخدم دولت باشد، از قبیل قضات، وکلاء، پلیس، سردفتران، کارکنان دولت بر فرض ارتکاب بزه، علاوه بر تعقیب کیفری در اداره متبوع مورد موأخذه قرار می‌گیرند و ممکن است اخراج، بازخرید، انفصال، تنزل درجه و رتبه در انتظار آن‌ها باشد. از این رو ابتدائاً به مصادیق تخلف اشاره می‌گردد و سپس در ادامه به ضمانت اجرای آن پرداخته می‌شود. با مذاقه در قانون آیین دادرسی کیفری به تخلفات ضابطین به شرح ذیل اشاره می‌شود:

- تحقیقات و اقدامات توسط اشخاصی که فاقد کارت ویژه ضابط دادگستری باشند (ماده ۳۰).
- نرساندن دستور شفاهی مقام قضایی به امضای او ظرف ۲۴ ساعت (ماده ۳۴).
- عدم انجام دستورات قضایی در مهلت تعیین شده (ماده ۳۵).
- نپذیرفتن شکایت کتبی یا شفاهی (ماده ۳۷).
- آگاه نکردن شاکی از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای و معاضدت حقوقی (ماده ۳۸).
- قید نکردن اظهارات شاکی راجع به ضرر و زیان وارده در گزارش به مرجع قضایی (ماده ۳۹).
- افشای اطلاعات مربوط به هویت بزه‌دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده (ماده ۴۰).
- اخذ تأمین از متهم توسط ضابطین (ماده ۴۱).
- رعایت نکردن مقررات مربوط به بازجویی از زنان و افراد نابالغ (ماده ۴۲).
- اطلاع ندادن مشخصات کسی که تحت نظر قرار گرفته ظرف یک ساعت به دادسرا (ماده ۴۹).
- ترتیب اثر ندادن به درخواست معاینه پزشکی کسی که تحت نظر قرار گرفته (ماده ۵۱).

از طرف دیگر به‌موجب تبصره ۲ ماده ۱ قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۰۲/۲۲: «جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شده باشند، در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود.»

به‌موجب رأی شماره ۱۶۹ مورخ ۱۳۷۹/۰۵/۰۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: «به صراحت قسمت اخیر اصل ۱۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تبصره ۲ ماده ۱ قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ رسیدگی به جرایم عمومی نیروهای نظامی و انتظامی و همچنین جرایمی که افراد مذکور در مقام ضابط دادگستری مرتکب می‌شوند، در صلاحیت ذاتی محاکم عمومی دادگستری قرار دارد. بنابراین بند ۲ بخشنامه شماره ۷/۰۸۶/۷۳ مورخ ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ سازمان قضایی نیروهای مسلح که جرم در مقام ضابط را از مصادیق جرایم خاص نظامی و انتظامی تلقی کرده و رسیدگی به آن را در صلاحیت سازمان قضایی اعلام داشته است، به‌لحاظ خروج آن از مدلول فرمان فرماندهی معظم کل قوا و مغایرت با قوانین فوق‌الذکر مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌شود.»

به هر حال علاوه بر ارتکاب تخلف، امکان ارتکاب جرم نیز توسط ضابطین دادگستری در مقام ضابط وجود دارد. ممکن است جرم ارتكابی مستوجب حد، قصاص، دیه، یا تعزیر باشد، از جمله حدود می‌توان به زنا، قذف و ... اشاره کرد. ایراد صدمات بدنی توسط ضابطین نسبت به طرفین پرونده اعم از شاکی یا متهم ممکن است حسب مورد مستوجب قصاص یا پرداخت دیه باشد.

صدمات بدنی نسبت به متهمین در حین دستگیری، بازجویی و تحت نظر بیشتر شایع و رایج است. از طرف دیگر ممکن است ضابط دادگستری مبادرت به تیراندازی نماید و موجب قتل یا صدمه بدنی دیگری گردد. به‌موجب ماده ۱۳ قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳ مستلزم جبران است.

از جمله جرایم تعزیری مأموران در مقام ضابط می‌توان به تخریب اموال طرفین پرونده، توهین، افتراء و ورود به عنف و ... اشاره نمود که در تمامی موارد پیش‌گفته مستوجب کیفر،

۳- ماهیت ضمانت اجرای حقوق دفاعی متهم در مواجهه با ضابطین

در این قسمت به بررسی ماهیت ضمانت اجرای حقوق دفاعی متهم در مواجهه با ضابطین پرداخته می‌شود.

۳-۱- ضمانت اجرای کیفری

بدیهی است ضمانت اجرای پیش‌بینی‌شده در ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری از نوع ضمانت اجرای ارتکاب تخلف می‌باشد، یعنی چنانچه ضابطین در خصوص مقررات، تکالیف و اختیارات مقرر در هریک از مواد مذکور در ماده ۶۳ مسامحه و تخلف نمایند، انفصال شغلی در انتظار آنان است.

لیکن بعضاً مواردی مشاهده می‌شود که ضمانت اجرای رفتار ارتكابی ضابطین از نوع ضمانت اجرای کیفری است، یعنی مجازات. به‌عبارت دیگر چنانچه مأمور انتظامی در مقام ضابط دادگستری مرتکب جرم شود رفتار و عمل ارتكابی وی دارای ضمانت اجرای کیفری است، چراکه ضمانت اجرای ارتكاب جرم، کیفر است.

از طرف دیگر قانون‌گذار انواع مجازات‌ها را در ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ احصاء نموده است. اساساً مرجع صالح جهت رسیدگی به جرایم خاص نظامی و انتظامی نظامیان، دادسراها و محاکم نظامی ۱ و ۲ می‌باشد، لیکن چنانچه نظامی در مقام ضابط دادگستری مرتکب جرم شود، رسیدگی به اتهام وی در صلاحیت محاکم عمومی کیفری است.

به‌موجب ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۰۷/۱۷: «به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح به جزء جرایم در مقام ضابط دادگستری در سازمان قضایی رسیدگی می‌شود.»

تبصره ۴ این ماده جرم در مقام ضابط دادگستری را چنین تعریف نموده است: «جرم در مقام ضابط دادگستری، جرمی است که ضابطان در حین انجام وظایف قانونی خود در ارتباط با جرایم مشهود و یا در راستای اجرای دستور مقام قضایی دادگستری مرتکب می‌شوند.»

ابد محکوم می‌شود. به لحاظ اهمیت موضوع در اصل ۳۸ قانون اساسی نیز به آن تأکید شده است.

به موجب ماده ۵۸۳ قانون مارالذکر، ضمانت اجرای جلب یا توقیف اشخاص بدون رعایت موازین قانونی حبس از یک تا سه سال می‌باشد.

۳-۲- ضمانت اجرای انتظامی و شغلی

واضح و مبرهن است ضمانت اجرای پیش‌بینی شده در ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری از نوع ضمانت اجرای ارتکاب تخلف بوده و بر وضعیت شغلی و استخدامی مرتکب مستولی و تأثیرگذار است. از طرف دیگر ماده ۱۲۰ قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۰ به ضمانت اجرای ارتکاب تخلف درجه داران نیروی انتظامی پرداخته است که البته این تنبیهات در مواردی قابل اعمال است که در غیر از مقام ضابط دادگستری مرتکب تخلف شده باشد.

ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، ضمانت اجرای ارتکاب تخلف اداری را به شرح ذیل مقرر نموده است: «تنبیهات اداری به ترتیب ذیل است:

- الف- اخطار کتبی بدون درج در پرونده استخدامی؛ ب- توبیخ کتبی با درج در پرونده استخدامی؛ ج- کسر حقوق و مزایا حداکثر یک‌سوم از یک‌ماه تا یک‌سال؛ د- انفصال موقت از یک‌ماه تا یک‌سال؛ ه- بازخرید خدمت در مورد افرادی که کمتر از بیست‌سال خدمت دارند یا پرداخت ۳۰ روز حقوق مینا و افزایش سنواتی یا عنوان مشابه در قبال هر سال خدمت دولتی؛ و- بازنشستگی در صورت داشتن حداقل ۲۰ سال خدمت براساس سنوات خدمت دولتی با تقلیل یک گروه؛ ز- اخراج از محل خدمت؛ ح- انفصال دائم از خدمات دولتی.»

به موجب ماده ۱۶ قانون رسیدگی به تخلفات اداری: «در بندهای ۲۳ و ۲۴ ماده ۸ که رسیدگی به پرونده کارمند متخلف در صلاحیت مراجع قضایی است و برای رسیدگی به محکمه ارجاع می‌شود، کارمند مزبور تا صدور رأی دادگاه به حال تعلیق درمی‌آید و در صورت براءت ضمن اعاده حیثیت حقوق مینا و افزایش سنواتی متعلقه به وی پرداخت خواهد شد.»

از قبیل حبس، شلاق، پرداخت دیه یا تأدیه جزای نقدی در حق دولت می‌باشد. به عبارت دیگر تمامی موارد معنونه مصادیقی از ضمانت اجرای کیفری در قبال رفتار مجرمانه مأموران در مقام ضابط می‌باشد که در دادسراها و حسب مورد محاکم کیفری ۱ و ۲ حسب مورد قابلیت رسیدگی دارد.

به شرح موادی از قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ که به ضمانت اجرای نقض حقوق اساسی شهروندان در قالب کیفر پرداخته به شرح ذیل منعکس می‌گردد:

قانون‌گذار در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ راجع به سلب غیرقانونی آزادی شهروندان توسط مأموران انتظامی کیفر حبس و انفصال از خدمات دولتی تعیین نموده است.

در ماده ۵۷۲ همان قانون نسبت به ترک فعل مأمورین انتظامی و ضابطین قضایی به لحاظ اهمیت موضوع واکنش و ضمانت اجرای مناسب پیش‌بینی شده است. انفصال دائم از سمت شغلی و محرومیت از مشاغل دولتی در انتظار مأمور متخلفی است که شکایت افراد راجع به بزه بازداشت و حبس غیرقانونی را استماع ننموده و به آن ترتیب اثر ندهند.

همچنین در ماده ۵۷۵ همان قانون در مورد کلیه مأمورین حاکمیتی و حکومتی اعم از قضات و صاحب منصبان دولتی که شهروندان را از حقوق اساسی و حقه خود محروم نمایند، مجازات انفصال از خدمت و کیفر حبس پیش‌بینی شده است که این حقوق اساسی می‌تواند نظیر حق تحصیل، حق داشتن شغل مناسب، حق حیات و حق آزادی بیان و دیگر حقوق ذاتی باشد.

در ماده ۵۷۸ همان قانون نیز درخصوص شکنجه بدنی منجر به اقرار توسط قضات و ضابطین دادگستری علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد، مجازات حبس از ۶ ماه تا ۳ سال در نظر گرفته شده است و چنانچه کسی صرفاً دستور شکنجه داده باشد فقط او مجازات می‌گردد، در صورتی که به واسطه آزار و شکنجه کسی فوت کند، مباشر به قصاص و آمر به حبس

هرچند هیأت‌های بدوی و تجدید نظر رسیدگی به تخلفات اداری در احراز تخلف مستخدم و پرسنل سازمان و اداره متبوع خود اختیارات گسترده‌ای دارند، لیکن نباید از این مهم غافل شد که متضررین از تصمیمات و آرای هیأت‌ها می‌توانند نسبت به آن اعتراض و تجدید نظرخواهی نمایند و دیوان عدالت اداری مرجع عالی رسیدگی به تظلمات است.

نتیجه‌گیری

ملاحظه و مذاقه در پرونده‌های کیفری بیانگر این مهم است که علی‌رغم انعکاس حقوق دفاعی متهم که اخیراً نوآوری‌های درخور تحسین هم داشته، مع‌الوصف در بستر عمل و اجرا و به‌عبارت بهتر اعمال و اجرای حقوق دفاعی متهم که قانوناً استحقاق آن را دارد، فاصله‌ها ملموس و مشهود است. نمونه‌هایی از رسیدگی پرونده‌هایی که با جزئیات در این نوشتار انعکاس یافته، به روشنی حاکی از نقض حقوق دفاعی متهم است. اصلاح ساختار و تشکیلات، کاهش ورودی پرونده‌ها، ارجاع ضابطه‌مند پرونده به قاضی، اجازه حضور وکیل در فرایند تحقیقات مقدماتی، افزایش نیروی انسانی قضایی، البته کارآمد و با ذکاوت و شم قضایی و بهره‌هوشی بالا، دادن آموزش و تعلیمات لازم به ضابطین و لزوم نظارت بیشتر و مؤثر دادستان به عملکرد آن‌ها، حذف حق مالی و پولی کشف جرم توسط فرماندهان ناجا که به کاهش دستگیری‌ها و بازداشت‌های خودسرانه منجر می‌گردد، منع دادستان‌ها از اعطای اختیارات کلی، گسترده، شفاهی و تلفنی به ضابطین در کشف جرم و بازرسی خودروها که منجر به نقض حریم خصوصی می‌گردد، پرهیز از اعطای اختیارات ویژه به ضابطین خاص توسط برخی مقامات قضایی که ممکن است به تضییع و تحدید حقوق و آزادی‌های مشروع افراد منتهی گردد، لزوم بهبود نحوه نگهداری متهمین در بازداشتگاه‌ها از حیث فضا، نور کافی، تغذیه و بهداشت، حذف برخی بازداشتگاه‌های غیرضروری تحت تصدی نهادهای خاص که خارج از نظارت معمول سازمان زندان‌ها می‌باشد، لزوم اطلاع‌رسانی شفاف به خانواده و بستگان متهم از محل نگهداری وی، ضابطه‌مند کردن ورود به منزل افراد جهت بازرسی که لزوماً بایستی موردی و ترجیحاً با حضور مقام قضایی باشد، عدم مداخله، بازرسی و توقیف وسایل و اشیایی که موضوع جرم نبوده و از جرم ناشی نشده و ارتباطی

به جرم ندارد، به حداقل رساندن بازداشت‌های غیرضرور توسط ضابطین آن به صرف مظنونیت، حذف بازداشتگاه‌های انفرادی که غیرانسانی و مغایر با تعالیم، احکام و آموزه‌های دینی است، پرهیز از صدور و ایضاً ابقای قرار بازداشت موقت غیرضروری، نهادینه‌شدن کیفیت رسیدگی به پرونده‌ها به‌جای کمیت (که متأسفانه در نگاه و منظر برخی مقامات عالی عدلیه صرفاً به کمیت و آمار بسنده می‌شود و هر مسؤولی در بیان عملکرد خویش به آمار رسیدگی به پرونده‌ها افتخار می‌کند که قدر متیقن حجم و تراکم بالای پرونده، اشتباه قضات در تشخیص درست موضوع منجر به اتخاذ تصمیمات و صدور آرای غیرعادلانه را به‌دنبال دارد) و ... می‌تواند به تضمین و برخورداری متهمین از حقوق دفاعی و انسانی خویش در بستر عمل منجر گردد و حقوق مکتوب و مدون پیش‌بینی‌شده در قوانین به‌درستی اعمال و اجرا گردد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: برابر.

تشکر و قدردانی: لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

- احمد باقری، علی (۱۳۹۴). «نقش ضابط در رعایت حقوق شهروندی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی». *مجله دادرسی*، ۱۹(۱۱۴): ۴۷-۵۷.

- آخوندی، محمود (۱۳۸۵). *تقریرات درس آیین دادرسی کیفری*. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- آشوری، محمد (۱۳۷۶). *عدالت کیفری (مجموعه مقالات)*. چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.

- انصاری، ولی‌اله (۱۳۸۰). حقوق تحقیقات جنایی (مطالعه تطبیقی). چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.

- عظیمی، کوروش و نظری‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۹). «نقش ضابطان دادگستری و سایر شهروندان در مواجهه با جرایم مشهود». پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۱(۱): ۱۷۷-۲۰۰.

- قیوم‌زاده، محمود و حبیبی‌تبار، حسین (۱۳۹۹). «جرم مشهود و تکالیف ضابطان دادگستری در ارتباط با حقوق شهروندی متهم». ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۳(۹): ۸۲۰-۸۰۳.

- کریم‌زاده، احمد (۱۳۷۲). نظارت انتظامی در نظام قضایی. چاپ اول، تهران: نشر روزنامه رسمی کشور.

- معصومی، مصطفی؛ صادقی، امین و درویش، علی (۱۳۹۷). اعتبار گزارش قضایی ضابطین دادگستری. چاپ اول، ایلام: انتشارات نگارستان غرب.

- ناجی زواره، مرتضی و ولایتی، علی (۱۳۹۷). «ارزش قضایی ضابطان دادگستری براساس قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲». نشریه کارگاه، ۱۱(۴۴): ۱۰۵-۱۱۸.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی